

جهانی شدن و اشتغال:

بررسی کشورهای منتخب آسه آن و ایران

مجید صامتی

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۲۷

دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان

تاریخ تایید: ۸۷/۰۴/۱۴

محسن رنانی

استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان

حسن صادقی

دانشجوی دکتری دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه اصفهان

چکیده

در حالی که اشتغال عامل مؤثر در رشد اقتصادی، توزیع درآمد و حفظ کرامت انسانی است؛ بیکاری ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها و تبعات نامطلوب اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. ساختار جمعیتی کشورهای آسیایی و عرضه فراوان نیروی کار و فقدان امکانات متناسب و نبود تقاضای کافی، بیکاری را به یکی از مهم‌ترین معضله‌های اقتصادی - اجتماعی این کشورها تبدیل نموده است. در این راستا پدیده جهانی شدن احتمالاً بر ساختار بازار کار، اشتغال و بیکاری، آثار جدی بر جای خواهد گذاشت. در این زمینه همچنین مطالعات تجربی کاهش و افزایش اشتغال را از آثار جهانی شدن بر بازار کار می‌داند. کاهش یا افزایش اشتغال در ارتباط با جهانی شدن موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مطالعه با توجه به روش برآورد تابع تقاضای نیروی کار و نظریه پویای بازار کار از طریق سه معیار اصلی جهانی شدن یعنی «آزادسازی تجاری و اشتغال»، «آزادسازی، همگرایی بازارهای مالی و اشتغال» و «فناوری و اشتغال» به مبانی نظری ارتباط جهانی شدن با بازار کار پرداخته شده است. کشورهای مورد مطالعه، کشورهای منتخب آسه آن (اندونزی، تایلند، فیلیپین، مالزی) و ایران می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد کاهش اشتغال نسبت به تولید ناخالص داخلی هر کشور و نیز نسبت به درجه باز بودن اقتصاد مثبت، اما نسبت به اندازه دولت منفی است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت اما ناچیزی بر رشد اشتغال داشته است.

واژگان کلیدی: اشتغال، جهانی شدن، بیکاری، درجه آزادی تجارت، آسه آن

طبقه بندی موضوعی: F13, F16, J21

مقدمه

بازار کار در بین بازارهای چهارگانه اقتصاد (کالا، سرمایه، پول و کار)، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی، همچون اشتغال، نقش محوری دارد. پیامدها و آثار اقتصادی - اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است. یکی از پیامدهای مستقیم چنین تعادلی جلوگیری از هزینه‌های ایجاد شده در نتیجه بیکاری است. بیکاری یک پدیده اقتصادی بسیار مهم و حائز اهمیت برای دولت‌ها به شمار

می‌آید. آن چنانکه دولت‌ها همواره در تلاش هستند معضل اقتصادی - اجتماعی بیکاری را حل نمایند. شواهد تجربی گویای این واقعیت است که همه کشورها چه توسعه یافته و چه در حال توسعه گریبان‌گیر مشکل بیکاری هستند^۱. همچنین در شرایط جدید، اقتصاد جهانی از طریق گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، احتمالاً بر ساختار بازار کار و اشتغال تأثیر خواهد گذاشت. در این رابطه نقش دولت به عنوان تنظیم‌کننده بازار کار نیز مورد توجه قرار گرفته است. موضوعات در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول ادبیات موضوع، بازار کار و برخی دیدگاه‌ها؛ و در بخش دوم مباحث جهانی شدن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤال اصلی مقاله این بوده است که تأثیر جهانی شدن اقتصاد بر اشتغال چیست؟ آیا جهانی شدن را اشتغال افزایش می‌دهد یا کاهش؟ این سؤال از طریق مدل کاربردی برای کشورهای منتخب آسه آن (اندونزی، تایلند، فیلیپین، مالزی) و ایران در دوره زمانی (۲۰۰۵-۱۹۸۰)، پاسخ داده می‌شود. علت انتخاب کشورهای مورد مطالعه این است که کشورهای اندونزی، تایلند، فیلیپین و مالزی جملگی مؤسس آسه آن و عضو گات بوده‌اند و بلافاصله عضو WTO شده‌اند. بنابراین تعامل، همگرایی و منطقه‌گرایی مناسب و موفقی را با اقتصاد جهانی داشته‌اند و چون ایران در فرآیند الحاق به WTO و منطقه‌گرایی می‌باشد شاید تجارب کشورهای فوق بتواند مفید باشد.

۱- ادبیات موضوع

۱-۱- آشنایی با اتحادیه آسه آن

اتحادیه ملل جنوب شرقی آسیا (آسه آن) در ۸ آگوست ۱۹۶۷ توسط وزرای خارجه کشورهای اندونزی، تایلند، سنگاپور، فیلیپین و مالزی در بانکوک پایه‌گذاری و تأسیس شد^۲. برونی دارالسلام در ۱۹۸۴، ویتنام در ۱۹۹۵، لائوس و میانمار در ۱۹۹۷ و کامبوج در ۱۹۹۹ به این اتحادیه ملحق شدند^۳. اهمیت آسه آن از این جهت است که پنج کشور مؤسس، قبل از تشکیل آسه آن، همگی عضو گات بوده‌اند و به محض تشکیل سازمان تجارت جهانی، پنج کشور مؤسس، عضو این سازمان شده‌اند.

جمعیت منطقه آسه آن از ۳۵۳ میلیون نفر در سال ۱۹۸۰ به ۵۵۸ میلیون در سال ۲۰۰۵ رسید و توانست جمعیت خود را به طور متوسط با نرخ رشد ۱/۵ درصد کنترل کند. کشورهای عضو

۱. اتحادیه آسه آن پس از بحران عظیم مالی سال ۱۹۹۷ و برای مقابله با چنین حوادثی، چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسه آن را تدوین نمود. یکی از طرح‌های کاربردی که در این چشم‌انداز مورد توجه جدی قرار گرفته است برنامه آمادگی‌سازی و تجهیز کارگران برای مقابله با تغییرات بازار کار و جلوگیری از بیکاری گسترده می‌باشد (aseansec.org / about Asean).

2. Aseansec.org / 64. htm.

3. The Founding of ASEAN (2003). Aseansec.org

آسه آن با در اختیار داشتن ۴/۵ میلیون کیلومتر مربع زمین حدود ۱۴/۳۰ درصد از کل جمعیت آسیا را در خود جای داده‌اند. همچنین مجموع تولید ناخالص داخلی آسه آن در سال ۲۰۰۴ به ۸۰۰ میلیارد دلار رسید. در همین سال کل صادرات و واردات آسه آن به ترتیب به ۵۲۶ و ۴۶۰ میلیارد دلار بالغ شد (U. N. Secretarial, 2005).

اهداف آسه آن در بیانیه اولیه دولت‌های عضو چنین عنوان شده است:^۱ سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی؛ توسعه اجتماعی؛ گسترش فرهنگ منطقه؛ مشارکت در تحکیم و تقویت دستیابی به کامیابی و رفتار مسالمت‌آمیز ملل جنوب شرقی آسیا؛ همچنین ارتقاء امنیت و ثبات منطقه‌ای، از طریق احترام متقابل به منظور احقاق حق و عدالت؛ حاکمیت قانون در روابط بین کشورهای منطقه و پیروی کردن از اصول منشور ملل متحد. این اهداف در نشست دول عضو در سال ۱۹۹۵ مجدداً مورد تأکید قرار گرفت (Kofi Annan, 2000). اتحادیه آسه آن پس از بحران عظیم مالی در سال ۱۹۹۷ و به منظور مقابله با تکرار چنین حوادثی، چشم‌انداز ۲۰۲۰ آسه آن را با هفت برنامه تدوین نمود.^۲ برنامه هفتم آن برنامه آماده‌سازی و تجهیز کارگران برای مقابله با تغییرات ناشی از ریسک‌های جهانی شدن در بازار کار می‌باشد.

۱-۲- بازار کار و برخی دیدگاه‌ها

در بازار کار عرضه‌کنندگان نیروی کار درصدد آن هستند تا ترکیب بهینه‌ای از فراغت و اشتغال را با عنایت به دستمزد انتظاری بدست آورند. تقاضاکنندگان نیروی کار نیز ترکیب بهینه‌ای از کار و سرمایه را با عنایت به تابع هدف خودشان (حداکثرسازی سود یا حداقل نمودن هزینه) انتخاب می‌نمایند. اندیشمندان مکاتب اقتصادی پیرامون بازار کار، اشتغال، بیکاری، عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضا نظراتی را مطرح می‌کنند که به اختصار اشاره می‌شود. بر اساس نظریه کلاسیک‌ها، در صورت عدم دخالت کامل دولت در امور اقتصادی، تعادل اقتصادی در جامعه در حد اشتغال کامل به وجود می‌آید، به طوری که امکان پیدایش بیکاری غیر ارادی در این اقتصاد وجود ندارد. انعطاف‌پذیری کامل دستمزد پولی یک نیاز برای اشتغال کامل است و تقاضای نیروی کار تابعی نزولی از دستمزدهای واقعی است. رشد تولید واقعی و اشتغال وابسته به جمعیت، فناوری و تشکیل سرمایه است (Branson, 1985).

نیوکلاسیک‌ها^۳ با تمسک بر فرضیه انتظارات عقلایی، «سیاست عدم مداخله دولت»^۴ در اقتصاد را تأیید کرده و آن را توسط «نظریه نرخ طبیعی»^۵، «نظریه جانشینی بین دوره‌ای»^۶ و

1. Kofi Annan (2000), Overview, Secretary-General of The UN.

2. www.dti.gov.ph/contentment

3. Richard T. Froyen (1997)

4. Laissez-Fair Policy

5. Natural Rate Theory

6. Inter Temporal Substitution Theory

«نظریه سیکل واقعی تجاری»^۱ توضیح می‌دهند. در حالی که کینزین‌ها^۲ وضعیت اشتغال کامل عوامل تولید را وضعیتی نادر دانسته و معتقدند پدیده «توهم پولی» مبنای تصمیم‌گیری و عرضه نیروی کار است. بنابراین تضمینی برای وجود تعادل متناظر با اشتغال کامل در اقتصاد وجود ندارد (تفضلی، ۱۳۸۱): (سامتی، ۱۳۸۲): (Dornbusch, Fischer, 1995). نیوکینزین‌ها^۳ با تمرکز بر چسبندگی قیمت‌های تولید به جای چسبندگی دستمزدهای اسمی و با استفاده از «نظریه هزینه فهرست»^۴، نظریه دستمزد کارایی^۵، نظریه داخلی - خارجی^۶، نظریه حد عقلانیت^۷ و نظریه تناوب دستمزد - قیمت^۸ آن را توضیح می‌دهند^۹. لیپسی^{۱۰} با بیان اینکه نرخ افزایش دستمزد پولی (dw/w) تابعی از اضافه عرضه یا اضافه تقاضای نسبی در بازار نیروی کار می‌باشد با استفاده از رابطه $f' < 0$ $\left[\frac{dw}{w} = f \left(\frac{N_s - N_d}{N_s} \right) \right]$ نشان داد زمانی که در بازار نیروی کار، اضافه عرضه وجود دارد، نرخ دستمزد پولی کاهش و در غیر این صورت افزایش خواهد یافت. لذا با فرض وجود منحنی فیلیپس غیر خطی با شیب نزولی، انتخاب ترکیب بهینه نرخ بیکاری و نرخ تورم حائز اهمیت است.

بر اساس استدلال‌های فریدمن و فلیپس، نه کارگران و نه بنگاه‌ها هیچ یک نگران دستمزدهای اسمی نیستند بلکه هم کارگران و هم بنگاه‌ها به ترتیب در عرضه و تقاضای نیروی کار، دستمزدهای واقعی را در نظر می‌گیرند و این برخلاف نظر فیلیپس می‌باشد.^{۱۱} عواملی همچون سطح دستمزدهای اسمی و واقعی، جمعیت (نرخ رشد جمعیت، ترکیب سنی و جنسی جمعیت، سطح تحصیلات و مهاجرت) بر عرضه نیروی کار و عواملی مانند سطح دستمزدهای اسمی و واقعی، رشد اقتصادی، بهره‌وری نیروی انسانی، قیمت نسبی کار و سرمایه، فناوری تولید و تراز پرداخت‌ها بر تقاضای نیروی کار تأثیرگذار هستند. البته عوامل تأثیرگذار دیگری مانند دخالت دولت در اقتصاد، سیاست تعدیل ساختاری و قوانین کار باید مورد توجه قرار گیرد (کميجانی، ۱۳۸۷).

1. Real Business Cycle Theory
2. Pierre Richard Agenor & Joshua Aizenman (1994)
3. Dennis J. Snower(1995)
4. Menu Cost Theory
5. Efficiency wage Theory
6. Insider - Outsider Theory
7. The Theory of Near Rationality
8. Wage-Price Staggering Theory

۹. به نظر می‌رسد ساختار بازار کار کشورهای در حال توسعه تطابق بیشتری با دیدگاه کینزین‌ها و نیوکینزین‌ها داشته باشند.

14. Lipsey

۱۱. فیلیپس فرض می‌نمود دستمزدهای اسمی هنگامی که نرخ بیکاری پائین است با سرعت بیشتری نسبت به زمانی که نرخ بیکاری بالاست افزایش می‌یابند.

۲- جهانی شدن و مبانی نظری

۲-۱- جهانی شدن

برخی از صاحب نظران معتقدند دوره‌ای از جهانی شدن از حدود سال ۱۸۷۰ تا آغاز جنگ جهانی اول وجود داشته است که در آن دوره، نظام‌های اقتصادی نسبتاً باز بوده‌اند. اما جهانی شدن فعلی که با ظهور گات (موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت) و سپس سازمان تجارت جهانی تداوم یافته است، به پدیده‌ای جدید و متفاوت با رویدادهای گذشته دلالت می‌کند (Tanzi, 2004). در گذشته، هر کشوری می‌توانست با هزینه‌های لازم، خود را از بقیه دنیا جدا نگه دارد. اما در حال حاضر خارج ماندن کشور از فرایند جهانی شدن پر هزینه و بلکه هزینه هنگفتی به دنبال دارد. لیکن به این معنا نیست که پیوستن به این فرآیند، بدون هزینه است. جهانی شدن را، به معنای عام، می‌توان کاهش هزینه‌های فعالیت بین‌المللی دانست که یکی از آثار اصلی آن تقویت و یکپارچگی بین‌المللی بازارهای کالا، خدمات، فناوری، سرمایه، اندیشه‌ها و نیروی کار است (اندرسون، ۱۳۸۴). در این انتخاب (جهانی شدن) هزینه‌ها و سودهایی که با سیاست‌های اقتصادی دنبال می‌شوند، وجود دارد. هزینه‌ها به راحتی قابل شناسایی بوده و بالا رفته‌اند. در حالی که بالا رفتن سودها در طول زمان اتفاق می‌افتد. در این ارتباط برخی مشکلات جهانی شدن از قبیل، تعطیل شدن تعدادی از کسب و کارها، بیکاری بخشی از نیروی کار، تعدیل دستمزدها (احتمالاً کاهش)، افزایش هزینه‌های دولت و غیره، برای کشورهای در حال توسعه ظاهر می‌شوند (Rodrik, 1997)؛ (Garrett, 2001)؛ (Rama, 2003).

بنابراین جهانی شدن به یک تجزیه و تحلیل دقیق‌تری از زیر ساخت‌های موجود کشور، به منظور آمادگی برای محیط جدید اقتصادی نیاز دارد. مطالعات بانک جهانی و شواهد بعضی کشورها نشان داده که زیر ساخت‌های اساسی (بنادر و جاده‌ها) وقتی که تجارت به سرعت رشد می‌کند، تجربه سختی را خواهند داشت. زیرا ایجاد یک زیربنای نهادی مناسب و معقول و ترک راههای سنتی و قدیمی، به مخارج بیشتر دولت نیاز خواهد داشت. این تغییرات ممکن است به اصلاحات جدی در نهادهای موجود و یا خلق و ایجاد نهادهای جدید نیاز داشته باشد. زمانی که بازار داخلی سریعاً باز می‌شود بعضی از بخش‌ها را به شدت با مشکل مواجه می‌کند و روی کمک‌های عمومی فشار رو به بالا وارد می‌کند. به این دلیل مخارج عمومی به احتمال زیاد در حال افزایش یافتن هستند و دولت به کسانی که شغل و یا سرمایه‌شان را از دست داده‌اند، به دلیل حضور شرکت‌های خارجی، کمک می‌کند. عموم مطالعات اقتصادی در زمینه جهانی شدن با سه معیار، آزادسازی تجاری، همگرایی بازارهای مالی و فناوری به ارزیابی این پدیده پرداخته‌اند. در این پژوهش واژه جهانی شدن^۱ تعبیر می‌شود.

۲-۲- مبانی نظری جهانی شدن و بازار کار

در این پژوهش مبانی نظری ارتباط جهانی شدن و بازار کار را در قالب (آزادسازی تجاری و اشتغال)، (آزاد سازی، همگرایی بازارهای مالی و اشتغال) و (فناوری و اشتغال) بررسی می‌کنیم.

۲-۲-۱- آزادسازی تجاری و اشتغال

مطالعه تأثیر تجارت بین‌الملل بر بازار کار و اشتغال به لحاظ نظری و (عملی) از اهمیت برخوردار است. تئوری‌های تجارت بین‌الملل سنتی که مهم‌ترین آن‌ها تئوری مزیت نسبی ریکاردو و تئوری هکشر - اوهلین - ساموئلسون^۱ می‌باشد، دارای فروضی هستند که مهم‌ترین آن‌ها وجود رقابت کامل بازارهای محصول و عوامل و همچنین وجود اشتغال کامل در عوامل تولید است. بنابراین تأثیر تجارت جهانی برای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در چارچوب یک تئوری که اشتغال کامل را در نظر می‌گیرد، قابل بررسی نیست. اما اثر جهانی شدن بر جابجایی نیروی کار و سهم نسبی نیروی کار از تولید و یا چگونگی تغییرات در دستمزد را می‌توان بررسی نمود (قوبدل، ۱۳۸۵)؛ (Wong, 1995).

تئوری (H-O-S) دلیل تجارت بین کشورها و یا دلیل وجود مزیت نسبی بین کشورها را در تفاوت نسبت موجودی عوامل تولید یعنی نسبت سرمایه به نیروی کار ($\frac{K}{L}$) می‌داند. به این ترتیب کشورهای با نسبت سرمایه به نیروی کار بیشتر دارای وفور نسبی سرمایه هستند و مزیت نسبی آن‌ها در تولید کالاهای سرمایه‌بر است، زیرا سرمایه ارزان‌تر است.

از طرف دیگر کشورهای با نسبت سرمایه به نیروی کار کمتر، دارای وفور نسبی نیروی کار هستند و مزیت نسبی در تولید کالاهای کاربر دارند، زیرا نیروی کار ارزان‌تر است. این تئوری را می‌توان با مقایسه قیمت‌های نسبی عوامل در کشورهای متفاوت نیز بررسی نمود. به این ترتیب که کشورها با قیمت‌های نسبی کار به سرمایه بالا ($\frac{w}{r}$)، دارای کمبود نیروی کار و فراوانی سرمایه هستند. لذا در تولید کالاهای سرمایه‌بر مزیت نسبی دارند. از طرف دیگر کشورها با قیمت‌های نسبی کار به سرمایه کمتر ($\frac{w}{r}$)، دارای فراوانی نیروی کار هستند. لذا در تولید کالاهای کاربر مزیت نسبی دارند (Bowen & Hollander & Viaene, 1998).

بر اساس تئوری (H-O-S) کشورهایی که دارای فراوانی نیروی کار هستند با خارج شدن از یک اقتصاد بسته و وارد شدن به تجارت با کشورهای دیگر، نیروی کار بیشتری را در تولید کالاهای کاربر بکار می‌گیرند و دستمزد نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تئوری (H-O-S)، تجارت باعث برابری قیمت‌های عوامل تولید میان کشورها می‌شود. حال چنانچه کشورهای در حال توسعه را، کشورهایی با وفور نسبی نیروی کار بدانیم، با وارد شدن این کشورها به تجارت آزاد

1. Heckscher – Ohline – Sumouelsun (H-O-S)

می‌بایستی اشتغال در این کشورها افزایش یابد و به لحاظ اینکه اشتغال ناقص در عمده این گروه از کشورها وجود دارد، لذا تجارت می‌بایستی با کاهش بیکاری همراه باشد^۱. در قضیه استاپر - سامونلسون^۲ که جزیی از تئوری (H-O-S) است تغییرات در قیمت‌های نسبی محصول $(\frac{P_x}{P_y})$ باعث تغییر در قیمت‌های نسبی عوامل نیز می‌شود. مثلاً اگر قیمت کالاهای کاربر به هر دلیل افزایش یابد، انگیزه تولید کنندگان برای تولید بیشتر این نوع کالاها افزایش یافته و تقاضا برای نیروی کار نسبت به سرمایه افزایش می‌یابد (Magee, 1980).

۲-۲-۲- جهانی شدن، همگرایی بازارهای مالی^۳ و اشتغال

آزادسازی در بازارهای مالی به معنی آزادی ورود و خروج سرمایه بین کشورهاست. به عبارت دیگر انعطاف پذیری بیشتر در حساب سرمایه در تراز پرداخت‌های خارجی یک کشور به معنی افزایش درجه باز بودن مبادلات مالی است. جریان سرمایه بین کشورها در شرایط کنونی به دو شکل صورت می‌گیرد. جریان سرمایه به شکل پرتفولیو^۴ (سرمایه‌گذاری خارجی در اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام، وام‌های بانک و ...) که عمدتاً بر اساس اختلاف در نرخ‌های بهره بین کشورهاست. البته به متغیرهای سیاسی، اقتصادی و از جمله نرخ ارز نیز بستگی دارد. برخی از محققان تمامی این موارد را با هزینه انتقال سرمایه نشان می‌دهند (Eckel, 2004)؛ (Hafler, 1997) دومین جریان سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۵ است. که در این روش سرمایه‌گذاران خارج از کشور میزبان، سرمایه‌های خود را به صورت فیزیکی (ماشین آلات، زمین و...) بکار می‌گیرند. عمدتاً عوامل مؤثر بر جذب این گونه سرمایه‌ها، امنیت سرمایه، سوددهی، بازار مناسب در کشور میزبان و همسایگان و فراوانی نیروی کار ارزان است. اقتصاددانانی همچون فیشر، رامال، لعل^۶ و دیگران به این نتیجه رسیدند که مناسب‌ترین روش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تشویق برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به دو نوع، افقی و عمودی تقسیم می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی، عمدتاً میان کشورهای پیشرفته صنعتی که به لحاظ امکانات تولیدی و موجودی عوامل، یکسان هستند، تعریف می‌شود (Helpman & Krugman, 1985). در حالت افقی، با ایجاد بنگاه‌های جدید در دیگر کشورها، توسط شرکت‌های چند ملیتی به جای صادرات کالا یا خدمات انتقال بنگاه صورت می‌گیرد. این حرکت بستگی به بازار کشور مقابل و اجتناب از هزینه تجارت دارد.

۱. کشورهای توسعه یافته با وارد شدن به تجارت، سرمایه را بیشتر از نیروی کار، به لحاظ وفور سرمایه نسبت به نیروی کار، در تولید کالاها و خدمات بکار می‌گیرند. لذا بر اساس این تئوری، انتظار کاهش دستمزدها و وجود بیکاری در این کشورها با وارد شدن به تجارت آزاد وجود دارد

2. Stolper - Samuelsen
3. Financial Integration
4. Portfolio
5. Foreign Direct Investment
6. Sanjaya Lall

بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افقی جایگزین تجارت می‌شود. این نوع سرمایه‌گذاری حجم بالایی را به خود اختصاص داده است (Brainard, 1997)؛ (Blonigen, 2001)؛ (Maskusen, 2000). اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عمودی که برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بین کشورهای صورت می‌گیرد که به لحاظ امکانات تولیدی و موجودی عوامل، یکسان نیستند. (Desantis, 2004)؛ (Hostman, 1992). این نوع سرمایه‌گذاری در صورتی اتفاق می‌افتد که صنعتی نیاز به نیروی کار ماهر و غیر ماهر داشته باشد. در این حالت انتقال بخشی از کارخانه، که نیازمند نیروی کار غیر ماهر است به کشوری که دارای نیروی کار غیر ماهر فراوان و ارزان می‌باشد، سودمند خواهد بود. بنابراین چنین سرمایه‌گذاری، مکمل تجارت است. تأثیر این گونه سرمایه‌گذاری بر رشد اشتغال و تقاضای نیروی کار همانند تئوری رشد سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و سپس افزایش اشتغال است. به همین منظور بسیاری از اقتصاددانان شاخص نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی کشور را شاخصی برای باز بودن مالی یا همگرایی مالی و جهانی شدن اقتصاد معرفی می‌کنند.^۱ از جمله شواهدی که در این خصوص می‌توان ارائه نمود مطالعه رامنا (۲۰۰۳) است. وی نشان می‌دهد اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر دستمزدها در کوتاه‌مدت مثبت است. به طوری که در کوتاه‌مدت یک افزایش ده درصدی در نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی باعث افزایش حدود دو درصدی در سطح دستمزدها می‌شود. ولی به مرور اثر FDI بر سطح دستمزدها کم می‌شود. اما اثر باز بودن تجاری بر سطح دستمزدها به مرور زمان زیاد می‌شود و می‌تواند اثر FDI را بر سطح دستمزدها را خنثی کند. البته اثر سرریز^۲ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر «نسبت تقاضای نیروی کار ماهر به غیر ماهر» در شرکت‌های داخلی تأثیرگذار است. شرکت‌های داخلی نیز با بکارگیری فناوری‌های جدید و استفاده از تجربه شرکت‌های خارجی سعی در افزایش بهره‌وری و پوشاندن شکاف بهره‌وری خود با شرکت‌های چند ملیتی از طریق افزایش نیروی کار ماهر، دارند (Taylor, 2002). بنابراین اثر سرریز زمانی ظهور می‌کند که اولاً، شکاف بهره‌وری بین شرکت‌های داخلی و خارجی وجود داشته باشد ثانیاً، این شکاف خیلی زیاد نباشد. بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سبب تغییر ساختار نیروی کار در بازار کار می‌شود. به لحاظ مبانی نظری تأثیر رشد مبادلات مالی و جریان سرمایه بین کشورها بر اشتغال و بازار کار، در ارتباط با تقاضای نیروی کار که یک تابع مشتق شده از تولید و تقاضا برای محصولات است، می‌باشد. به این ترتیب در شرایطی که بنگاه تمایل به تغییر تعداد نیروی کار داشته باشد، تعدیل سریع نیروی کار، پرهزینه خواهد بود. در این ارتباط عامل مهم، هزینه تعدیل می‌باشد که در نظریه پویای تقاضای نیروی کار به آن

۱. این شاخص توسط مؤسسه هریتیج، فریزر، و ATK نیز عنوان شده است. همچنین اقتصاددانان تجارت بین‌الملل، از این شاخص به عنوان درجه باز بودن مالی یک کشور استفاده نموده‌اند.
 [(Trefler (1993), Fisher (2003), Rodrik (1999), kose (2003), freeman (1994), Eckel (2004)]
 2. Spillover Effect

پرداخته می‌شود. بنابراین ورود سرمایه و در نتیجه سرمایه‌گذاری جدید منجر به رشد تولید و در نهایت افزایش تقاضا برای نیروی کار خواهد شد.^۱ همچنین انتظار می‌رود در تعامل با فرایند جهانی شدن اقتصاد، اشتغال نیروی کار ماهر بیشتر شود. چرا که معمولاً سرمایه و مهارت مکمل یکدیگر هستند (امینی، ۱۳۸۱). اما در مورد نیروی کار غیر ماهر، انتظار می‌رود مکمل بودن این گروه با سرمایه کمتر باشد. لذا در تعامل با جهانی شدن با بکارگیری سرمایه بیشتر به دلیل کاهش هزینه سرمایه، حذف فرصت‌های شغلی موجود در مقایسه با موقعیت اقتصاد بسته، بیشتر می‌شود.

۲-۳- نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر اشتغال

تأثیرپذیری اشتغال و بازار کار از فناوری اطلاعات و ارتباطات از چند جنبه قابل بررسی است. اولاً، محصولات تولیدی این فناوری (سخت افزاری و نرم افزاری)، فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهند (مشیری، ۱۳۸۳). ثانیاً، ظرفیت اشتغال‌زایی فناوری اطلاعات، تأثیری به صورت «نهاد» در تولیدات صنایع و بخش‌های دیگر دارد به طوری که تسهیل در تولید، توزیع، فروش، خدمات پس از فروش، نگهداری، حمل و نقل، بازاریابی، صادرات، واردات، تحقیق و توسعه و مهم‌تر از همه تسهیل در همگرایی و تعامل با جهانی شدن اقتصاد، نقش قابل توجهی را در جذب نیروی کار ماهر و نیمه ماهر به عهده خواهد داشت. این فناوری را چه به صورت مستقل در تابع تولید آورده شود و چه به صورت بهره‌وری در عامل سرمایه و یا نیروی کار، باعث گسترش تولید و ارزش افزوده می‌گردد و رشد اقتصادی و اشتغال را به همراه خواهد داشت (Quah, 2002)؛ (Pohjola, 2002).

۳- مطالعات انجام شده

برخی از مطالعات تجربی تأثیر پدیده جهانی شدن بر بازار کار و اشتغال را افزایش بیکاری و برخی کاهش بیکاری گزارش کرده‌اند. بعضی مطالعات به تفاوت‌های دستمزدهای رسمی و غیر رسمی پرداخته‌اند. مطالعات دیگری وجود دارد که کانون توجه آنان به نقش فعال دولت‌ها در تنظیم بازار کار و جهانی شدن معطوف بوده است. در ذیل به تعدادی از این مطالعات تجربی اشاره می‌شود.

۱. در دهه ۱۹۸۰ گروهی از کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای آسیای جنوب شرقی با آزادسازی بازارهای مالی، موفق به جذب سرمایه‌های فراوانی از کشورهای توسعه یافته شدند. البته عمده این سرمایه‌ها به صورت پرتفولیو بود که توانست رشد و اشتغال قابل توجهی را برای اقتصاد این گروه از کشورها به ارمغان بیاورد. اما بحران مالی ۱۹۹۷ که منجر به خروج سرمایه از این کشورها گردید باعث شد که در ادبیات بازارهای مالی و سرمایه تحولاتی رخ دهد و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و ... برای کشورهای در حال توسعه تغییر کند (Fisher, 2003).

البرفلد، گوتز و استاهلر^۱ (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (عمودی) بر اشتغال را مورد بررسی قرار داده، نتیجه می‌گیرند شرکت‌های چند ملیتی و میزان تولید این شرکت‌ها تأثیر مثبت بر تقاضای نیروی کار در کشور میزبان دارند.

راما^۲ (۲۰۰۳)، اثر جهانی شدن اقتصاد را در قالب دو شاخص^۳ یعنی آزادسازی تجاری و آزادسازی مالی بر اشتغال و نیروی کار مطالعه می‌کند. وی نتیجه‌گیری می‌کند که می‌توان در بازار کار با پس‌اندازهای اجباری و بیمه بیکاری، خسارت جهانی شدن را جبران و به بیکاران و کسانی که کار خود را از دست می‌دهند کمک کرد. همچنین وی در مقایسه برنامه «بیمه بیکاری» و برنامه «پس‌انداز اجباری تأمین اجتماعی»، ادعا می‌کند که برنامه دوم برای کشورهای در حال توسعه مؤثرتر خواهد بود و توصیه می‌کند که سیاست‌های فعال بازار کار^۴ (آموزش، مشاوره و خدمات کاریابی و کمک برای جستجوی شغل) را دنبال نمایند. در جایی دیگر راما متذکر می‌گردد: «قانون حداقل دستمزد که در کشورهای در حال توسعه برای حمایت از نیروی کار اعمال می‌شود از کارایی لازم برخوردار نیست، زیرا در این کشورها دولت قادر نیست این قانون را به شکل صحیح آن اجرا کند. به طور مثال در اندونزی در دهه ۱۹۹۰ این سیاست کاملاً غیر کارا بوده است» (Rama, 2000). همچنین در بیشتر کشورها از جمله کلمبیا این سیاست اثر ضد اشتغال داشته است (Bell, 1997).

احمد احمداف^۵ (۲۰۰۳)، بازار کار روسیه را پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی، مورد بررسی قرار داده است. کشش‌های تقاضای نیروی کار با توجه به آزادسازی تجاری، در روسیه برآورد شده است. برخی نتایج این تحقیق چنین بوده است: ۱- جریان اشتغال درون بخشی نیروی کار شدت بیشتری گرفته است (بازار کار پویاتر شده است). ۲- در کوتاه‌مدت، کشش‌های دستمزد و تقاضای نیروی کار رشد معنی‌داری پیدا کرده‌اند. ۳- در اثر شوک‌های آزادسازی تجاری و الحاق به سازمان تجارت جهانی تغییر در اشتغال تفاوت کمی داشته است. به عبارتی درجه آزادی تجارت روی تقاضای نیروی کار اثر ترکیبی دارد. ۴- اثر منفی واردات، بر دستمزد و اثر مثبت صادرات، بر دستمزد معنی‌دار بوده است.

اوربتا^۶ (۲۰۰۲)، تأثیر تجارت را بر ساختار و سطح اشتغال در کشور فیلیپین مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش صادرات، میزان تقاضا برای نیروی کار را افزایش

1. Water Elberfeld, Georg Gotz and Frank Stahler

2. Martin Rama

۳. برای اطلاع بیشتر از شاخص‌های جهانی شدن به جعفری صمیمی و سینا (۱۳۸۴)، جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، صص ۲۲۳-۲۱۴ مراجعه کنید.

4. Active Labor Market Policy (ALMP)

2. Akhmed Akhmedov

6. Aniceto c. orbeta

داده است و تأثیر تمایل به واردات بر تقاضای نیروی کار نامشخص بوده است. در نهایت افزایش تمایل به صادرات موجب افزایش اشتغال نیروی کار با مهارت پایین، در کل و زیر شاخه‌های صنایع تولیدی گردیده است.

جوکاون^۱ (۲۰۰۱)، در مطالعه‌ای به بررسی اصلاحات انجام شده از سوی دولت کره - در دوران بعد از بحران ۱۹۹۷ آسیای شرقی که همراه با افزایش بیکاری در کشور کره جنوبی بود - می‌پردازد. وی ادعا می‌کند که دولت کره برای مبارزه با بیکاری ناشی از بحران مالی سال ۱۹۹۷ موفق بوده است و معتقد است که نقش دولت‌ها در عصر جهانی شدن اقتصاد نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه نقش بسیار مهمی نیز ایفا می‌کنند. این تحقیق با استفاده از مدل‌های مختلف به بررسی چگونگی دخالت دولت کره در اقتصاد می‌پردازد و نشان می‌دهد که کمک‌های مالی به بیکاران باعث شده هزینه‌های دولت افزایش یابد. نتیجه‌گیری می‌کند که دولت کره در زمینه‌های ایجاد خدمات عمومی، بیمه بیکاری و پروژه‌های عمومی به نحو شایسته‌ای از بخش خصوصی استفاده، و در مواجهه با جهانی شدن اقتصاد، نقش بسیار مهم و قابل توجه‌ای ایفا نموده است.

لندمن^۲ (۲۰۰۱)، با بررسی اثر جهانی شدن بر دستمزدها و بیکاری در آمریکا و اروپا، نتیجه‌گیری می‌کند که جهانی شدن اقتصاد، با توجه به نرخ نسبتاً بالای بیکاری در اروپا، منجر به کاهش فرصت‌های شغلی برای کارگران غیر ماهر شده است. در آمریکا نیز جهانی شدن، شکاف نیروی کار ماهر و غیر ماهر را افزایش داده است. کشورهایی که از نابرابری دستمزد بین نیروی کار ماهر و غیر ماهر جلوگیری کرده‌اند نرخ بیکاری بالایی را تجربه کرده‌اند.

دادگر و ناجی (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای به بررسی «آثار جهانی شدن اقتصاد بر رشد، اشتغال و توزیع درآمد در ایران» پرداخته‌اند. در این مطالعه با بکارگیری شاخص «نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی» به عنوان شاخص جهانی شدن اقتصاد، نشان می‌دهند که این فرایند در ایران، سطح تولید سرانه و نرخ رشد اقتصادی را افزایش و نرخ بیکاری را به مقدار اندکی کاهش می‌دهد.

کمیجانی (۱۳۷۸) به منظور ارزیابی عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی در ایران، تابع تقاضای نیروی کار در ایران را با ارائه دو مدل نظری و مفهومی ویژه^۳ برآورد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل مؤثر بر رشد تقاضای نیروی کار، رشد اقتصادی است. شاخص قیمت کالاهای وارداتی نیز تأثیر منفی و معنادار بر تقاضای نیروی کار داشته است.

1. Huck-Jukwon
2. Liver Landman
3. Ad hoc Approach

۴- تصریح تجربی الگوی تحلیلی

مواردی از خواست جهانی شدن را می‌توان گسترش فضای رقابتی، گسترش تجارت، گسترش بخش خصوصی و سپردن قیمت‌ها به ساز و کار بازارها بر شمرد. بنابراین بازار کار کشورها در شرایط جهانی شدن اقتصاد و در زمینه هزینه تعدیل نیروی کار انعطاف‌پذیرتر خواهند شد. لذا امکان و احتمال بکارگیری نیروی کار بیشتر توسط بنگاه وجود دارد. از طرف دیگر با آزادسازی بازار مالی، هزینه سرمایه کاهش یافته، تقاضا برای نیروی کار در بخشی از اقتصاد، که این دو عامل مکمل یکدیگرند، افزایش می‌یابد. اما در بخش‌هایی از اقتصاد که نیروی کار و سرمایه جانشین یکدیگر هستند، امکان حذف فرصت‌های شغلی و ایجاد بیکاری وجود دارد.

همچنین انتظار می‌رود در تعامل با فرایند جهانی شدن اقتصاد، اشتغال نیروی کار ماهر بیشتر شود چراکه معمولاً سرمایه و مهارت مکمل یکدیگر هستند (امینی، ۱۳۸۱). اما در مورد نیروی کار غیر ماهر، انتظار می‌رود مکمل بودن این گروه با سرمایه، کمتر باشد. از طرفی مؤلفه‌های جهانی شدن اقتصاد و شاخص‌های آن بر این موضوع تأکید دارند که برای بررسی ارتباط جهانی شدن و بازار کار می‌بایست تأثیر پیامدهای جهانی شدن، بر اشتغال را بررسی نمود (دادگر، ۱۳۸۳)؛ (Rodrik, 1997)؛ (Rama, 2003). مهم‌ترین این پیامدها شامل رشد تجارت آزاد (صادرات و واردات)، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، آزادسازی بازار سرمایه، رشد و پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌باشد.

اما همان‌گونه که اشاره شد در اغلب مطالعات تجربی، به منظور بررسی تأثیر جهانی شدن، بر بازار کار و اشتغال، از شاخص درجه آزادی تجارت و شاخص باز بودن مالی به عنوان دو معیار جهانی شدن اقتصاد استفاده شده است. برای شاخص درجه آزادی تجارت، نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی $(\frac{X+M}{GDP})$ و برای شاخص باز بودن مالی عمدتاً، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی $(\frac{FDI}{GDP})$ و در برخی موارد FDI ورودی و یا موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ بکار گرفته شده است. لیکن باید اذعان نمود که بسیاری از مدل‌های تجربی در زمینه مطالعات جهانی شدن، بر ملاحظات نظری که، به خوبی تعریف و تبیین شده باشند، مبتنی نیستند تا بتوانند راهبرد تجربی را هدایت کنند و عموماً مدل‌ها به صورت مفهومی و یژه^۲ طراحی شده‌اند (Ursprung, 2006). این خود مشکل جدی این‌گونه مطالعات محسوب می‌شود. لذا باید تلاش شود حتی‌الامکان الگوی تحلیلی بر مبنای نظری مستحکم‌تری بنا نهاده شود. در این راستا، این پژوهش سعی نموده الگوی تحلیلی را با تکیه بر مبنای نظری و در روند مطالعات

1. FDI Stock
2. Ad hoc

تجربی، ارائه نماید. لذا در تصریح الگوی تحلیلی علاوه بر شاخص‌های سنتی که در بالا اشاره شد، متغیرهای دیگری به الگو اضافه شده‌اند. متغیرهایی مانند متغیر اشتغال با یک وقفه زمانی (به منظور بررسی وضعیت انعطاف‌پذیری بازار کار) و همچنین متغیر اندازه دولت وارد الگو شده‌اند. زیرا جهانی شدن اقتصاد بر رقابت و انعطاف‌پذیری بازار کار و بر کوچکتر شدن اندازه دولت تأکید دارد. انتخاب متغیر اندازه دولت به واسطه این است که دولت‌ها در تنظیم بازار کار نقش فعالی را، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، بر عهده دارند. بنابراین تغییر در اندازه دولت می‌تواند بر بازار کار تأثیرگذار باشد. بر این اساس اشتغال در یک دوره زمانی، تابعی از تولید، دستمزد واقعی نیروی کار، درجه آزادی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اندازه دولت، فناوری و اشتغال دوره قبل در نظر گرفته شده و الگوی تحلیلی تحقیق به صورت زیر ارائه می‌شود:

بر این اساس اشتغال در یک دوره زمانی، تابعی از تولید، دستمزد واقعی نیروی کار، درجه آزادی تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اندازه دولت، فناوری و اشتغال دوره قبل در نظر گرفته شده است. که در آن E_{it} اشتغال دوره t ، GDP_{it} تولید ناخالص داخلی، W_{it} دستمزد واقعی نیروی کار، $OPEN_{it}$ درجه باز بودن اقتصاد، $R \& D_{it}$ مخارج تحقیق و توسعه، $\left(\frac{G}{GDP}\right)_{it}$ نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی (شاخص اندازه دولت)، FDI_{it} جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، E_{it-1} اشتغال با یک وقفه زمانی یکساله (نماینده انعطاف‌پذیری دستمزدها).

بدین ترتیب فرم کلی تابع تقاضای اشتغال را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$E_{it} = f(GDP_{it}, W_{it}, FDI_{it}, OPEN_{it}, R \& D_{it}, E_{it(-1)}, \left(\frac{G}{GDP}\right)_{it}) \quad (2-5)$$

$$f_1 > 0, \quad f_2 < 0, \quad f_3 > 0, \quad f_4 > 0, \quad f_5 > 0, \quad (f_6 > 0 \text{ or } f_6 < 0), \quad f_7 > 0$$

Eit: اشتغال کشور i در زمان t (به عنوان متغیر وابسته):

GDPit: تولید ناخالص داخلی کشور i در زمان t;

Wit: دستمزد واقعی کشور i در زمان t;

FDIit: جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور i در زمان t;

OPENit: نسبت کل تجارت خارجی (مجموع صادرات و واردات کالاها و خدمات) به تولید

ناخالص داخلی کشور i در زمان t;

R&Dit: مخارج تحقیق و توسعه کشور i در زمان t;

E-1it(-1): اشتغال کشور i در زمان t;

t دوره زمانی برابر با ۲۰۰۵-۱۹۸۰، و کشورها نیز برابر با $i=1, \dots, n$ و به تعداد پنج کشور است.

در مدل (۵-۲) و بر اساس مبانی نظری، انتظار داریم رابطه بین متغیر وابسته (اشتغال = E) و متغیرهای مستقل به صورت زیر تبیین شوند:

۱- بین اشتغال (E) و تولید ناخالص داخلی (GDP) ارتباط مثبت وجود دارد به طوری که افزایش سطح تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) منجر به رشد بیشتر اشتغال خواهد شد.

۲- هر چه هزینه واقعی نیروی کار افزایش یابد بنگاه‌ها ترجیح می‌دهند نیروی کار کمتری جذب نمایند و یا تغییر در سطح اشتغال کمتر از قبل باشد. لذا تغییر در سطح دستمزد واقعی منجر به تغییر مثبت و هم‌جهت هزینه واقعی نیروی کار برای بنگاه‌ها خواهد شد. در این صورت انتظار داریم ارتباط معکوسی بین تغییر سطح دستمزد واقعی و اشتغال برقرار باشد.

۳- جریان‌های سرمایه‌ای و کالایی در سطح جهانی نقش مؤثری در تحولات بازار کار و اشتغال خواهند داشت. بدین ترتیب سطح بالاتر FDI ورودی و یا نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP به عنوان یک شاخص برای تحرکات سرمایه‌ای و همچنین سطح بالاتر تجارت خارجی (مجموع کالاها و خدمات) نسبت به GDP به عنوان شاخص تحرکات کالایی در تجارت جهانی (باتوجه به اثرات مؤثر این دو در باز بودن اقتصاد)، منجر به سطوح بالاتر اشتغال خواهد شد. لذا می‌توان گفت نسبت FDI به GDP و یا FDI ورودی و نسبت تجارت خارجی به GDP رابطه‌ای مستقیم با تغییرات اشتغال در بین کشورها خواهد داشت.

۴- مخارج تحقیق و توسعه (R & D) به عنوان یکی از شاخص‌های فناوری با توجه به اثرات مثبت آن در رشد تولید، سرمایه‌گذاری و بازار کار منجر به بهبود سطح کیفیت و مهارت نیروی انسانی و در نهایت رشد اشتغال در کشورها خواهد شد. لذا ارتباط بین تحقیق و توسعه، اشتغال و رشد و توسعه بنگاه‌ها یک رابطه‌ای مثبت خواهد بود.

۵- نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی و یا شاخص اندازه دولت (GGDP)، یکی از شاخص‌های مؤثر بر تقاضای نیروی کار می‌باشد. انتظار می‌رود بین این نسبت و اشتغال رابطه‌ای وجود داشته باشد.

۶- ارتباط بین اشتغال و اشتغال دوره قبل با توجه به نظریه پویای تقاضای نیروی کار، مثبت می‌باشد. ضریب متغیر اشتغال دوره قبل که در سمت راست معادله ظاهر شده است، که به سرعت تعدیل تعبیر می‌شود. هرچقدر ضریب تعدیل (λ) به مقدار یک نزدیک‌تر باشد انعطاف‌پذیری بازار کار بیشتر خواهد بود و در واقع جریان ورود به بازار کار و خروج از بازار کار به دلیل انعطاف‌پذیری بازار کار به ویژه از ناحیه قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار بیشتر است. در واقع بازار کار بر

اساس خواست جهانی شدن که وجود بازار رقابتی کاملاً انعطاف پذیر می باشد، شکل گرفته است. هرچه ضریب تعدیل کمتر باشد بیانگر جریانات بیشتر ورود و کمتر خروج فعالان بازار کار (عرضه نیروی کار) می باشد و بنگاه ها و کارفرمایان عدم تعادل نیروی کار را به هزینه های تعدیل نیروی کار ترجیح می دهند.

بنابراین با توجه به فرم کلی، مدل مورد نظر برای تخمین، الگوی اشتغال، به صورت ذیل ارائه می گردد:

$$E_{it} = \beta_0 + \beta_1 W_{it} + \beta_2 GDP_{it} + \beta_3 OPEN_{it} + \beta_4 R\&D_{it} + \beta_5 E_{it-1} + \beta_6 \varepsilon_{it} \quad (3-5)$$

E (اشتغال)، GDP (تولید ناخالص داخلی)، W (دستمزد واقعی)، GGDP (نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی)، OPEN (سهم تجارت خارجی از تولید ناخالص داخلی)، FDIR (سهم سرمایه گذاری مستقیم خارجی به GDP)، R&D (سهم مخارج تحقیق و توسعه به GDP) و E_{it-1} اشتغال با یک وقفه زمانی، β_i ضرایب متغیرهای مستقل، i کشورهای مورد مطالعه و t دوره زمانی (۲۰۰۵-۱۹۸۰) می باشد.

اما بدلیل عدم دسترسی به آمار و اطلاعات دستمزد واقعی و مخارج تحقیق و توسعه، برغم اعتقاد به اینکه این دو متغیر، بر متغیر وابسته، تأثیرگذار هستند لیکن از الگو حذف شده اند. لذا در ادامه، جهت بررسی دقیق تر اثر جهانی شدن بر اشتغال، رابطه ذیل رانیز تصریح نموده ایم.

$$E_{it} = \beta_0 + \beta_1 W_{it} + \beta_2 \left(\frac{G}{GDP}\right)_{it-1} + \beta_3 E_{it-1} + \beta_4 (OPEN * FDI)_{it} + \varepsilon_{it} \quad (4-5)$$

همچنین برای تأکید بر ارزیابی تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر اشتغال، الگوی (۵-۵) ارائه شده است. در این معادله شاخص ترکیبی جهانی شدن یعنی $OPEN * FDI$ وارد معادله شده است.

$$E_{it} = \beta_0 + \beta_1 W_{it} + \beta_2 \left(\frac{G}{GDP}\right)_{it-1} + \beta_3 E_{it-1} + \beta_4 (OPEN * FDI)_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5-5)$$

نتایج تجربی تحقیق به تفکیک بر آورد الگوهای (۳-۵) الی (۵-۵) برای کشورهای مورد مطالعه و در دوره زمانی مذکور ارائه می گردد.

۵- نتایج تجربی

تلفیق آمارهای سری زمانی^۱ با آمارهای مقطعی^۲ نه تنها می‌تواند اطلاعات سودمندی برای تخمین مدل‌های اقتصادسنجی فراهم آورد بلکه بر مبنای نتایج بدست آمده می‌توان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درخور توجهی نیز به عمل آورد. بررسی تفصیلی ادبیات موضوع مربوط به داده‌های تابلویی را می‌توان در مطالعات مادالا^۳ (۱۹۹۳)، راج و بالتاگ^۴ (۱۹۹۲) و بالتاگ (۱۹۹۵) دنبال کرد. اهمیت مدل‌های داده‌های تابلویی نسبت به مدل‌های با برش‌های مقطعی محض^۵، این است که در این مدل‌ها محقق می‌تواند انعطاف‌پذیری بیشتری در تبیین تفاوت‌های رفتاری فردی پدیده‌ها در طول زمان داشته باشد. چارچوب اولیه برای این منظور در معادله ذیل ارائه شده است:

$$X_{it} = \alpha + \beta_i + \epsilon_{it} \quad (1)$$

به طوری که $i = 1, 2, \dots, n$ و $t = 1, 2, \dots, T$ است که n تعداد کشورها (مشاهدات مقطعی) و T بیانگر تعداد مشاهدات سری زمانی سالانه است. به غیر از مبدأ تعداد K متغیر توضیحی در X_{it} وجود دارد. لازم به ذکر است که مدل داده‌های تابلویی فوق از نوع مدل‌های متوازی^۶ است یعنی در هر n کشور تعداد T مشاهده سالانه وجود دارد. در این معادله α_i نیز اثر انفرادی یا عرض از مبدأ مختص کشور نام است که فرض می‌شود در طول زمان ثابت بماند. در عمل می‌توان تفاوت بین کشورهای مختلف (یا i معادله مختلف) را در معادله فوق به سه صورت فرض نمود. اول اینکه α_i را برای کلیه کشورها (برش‌های مقطعی) ثابت فرض نمود (یعنی $\alpha_i = \alpha$).

روش دوم این است که α_i برای هر یک از کشورهای مورد مطالعه با یکدیگر فرق داشته باشد. رویکرد سوم این است که تفاوت بین کشورها تصادفی بوده و با یک جزء تصادفی مثل u_{it} وارد معادله (۱-۶) شوند، با این تفاوت که این جزء به طور مشخص در یک دور واحد در هر زمان وارد معادله رگرسیونی می‌شود. این سه روش در ادبیات نظری مدل‌های داده‌های تابلویی به ترتیب به روش‌های اثرات مشترک^۷، اثرات ثابت^۸ و اثرات تصادفی^۹ مشهور هستند.

نتایج تجربی مدل‌های برآورد شده، با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و رهیافت داده‌های تابلویی و با استفاده از نرم‌افزار Limdep7.0 در سه قسمت ارائه، که به طور خلاصه نتایج هر قسمت تحلیل می‌گردد. جدول (۱) الی (۳) به ترتیب برآوردهای مربوط به معادلات (۵-۳) الی (۵-۵) را نشان می‌دهد.

1. Time Series Data
2. Cross Sectional Data
3. Maddala
4. Raj and Baltagi
5. Pure Cross - Section
6. Balanced Panel Data Model
3. Common Effects
4. Fixed Effects
5. Random Effects

جدول (۱): نتایج برآورد الگوی (۳-۵) متغیر وابسته لگاریتم اشتغال

متغیر	ضریب	آماره t
LGDP_?	0.108	9.01
LGGDP_?	-0.068	-6.15
OPEN_?	0.013	2.35
LFDI_?	0.002	1.60
LE_?(-1)	0.917	44.15
R2	97	
D.W	2.11	
احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک	0.00	

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بر اساس احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک این مدل قابلیت برآورد به صورت داده‌های تابلویی را دارد. مدل اثرات ثابت به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود. بدین معنی که تفاوت در بین کشورهای مختلف توسط عرض از مبدأهای متفاوت، بهتر قابلیت توجیه دارد. لذا باید کلیه تحلیل‌ها براساس مدل اثرات ثابت باشد. بنابراین حدود ۹۷ درصد تغییرات اشتغال در کشورهای مورد مطالعه در این الگو توضیح داده می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کلیه متغیرها دارای علامت مورد انتظار هستند و فقط متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

کشش اشتغال نسبت به تولید ناخالص داخلی هر کشور برابر با ۰/۱۱ است. بدین معنی که با فرض ثبات سایر شرایط افزایش تولید ناخالص داخلی به میزان یک درصد، اشتغال حدود ۰/۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. کشش اشتغال نسبت به سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی برابر ۰/۰۷- است بدین معنی با افزایش این سهم به میزان یک درصد، اشتغال حدود ۰/۰۷ درصد کاهش می‌یابد و دولت نتوانسته از طریق حضور خود بر اشتغال بیفزاید. کشش اشتغال نسبت به درجه باز بودن اقتصاد برابر ۱/۰۱ است یعنی به ازای افزایش یک درصد در درجه باز بودن اقتصاد با فرض ثبات سایر شرایط میزان اشتغال حدود یک درصد افزایش می‌یابد. کشش اشتغال نسبت به اشتغال یک دوره قبل برابر ۰/۹۲، بنابراین سرعت ضریب تعدیل ۰/۰۸ است. یعنی در این گروه از کشورها انعطاف‌پذیری اشتغال پایین است.

جدول (۲): نتایج برآورد الگوی (۴-۵) متغیر وابسته لگاریتم اشتغال

متغیر	ضریب	آماره t
LGGDP_?(-1)	-0.015	-1.75
OPEN_?	0.028	7.23
LE_?(-1)	0.913	60.40
FDIR_?	0.004	8.26
R2	97	
D.W	1.90	
احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک	0.00	

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که بر اساس احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک این مدل قابلیت برآورد به صورت داده‌های تابلویی را دارد. مدل اثرات ثابت به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود. بدین معنی که تفاوت در بین کشورهای مختلف توسط عرض از مبدأهای متفاوت بهتر قابلیت توجیه دارد. لذا باید کلیه تحلیل‌ها براساس مدل اثرات ثابت باشد. حدود ۹۶ درصد تغییرات اشتغال در کشورهای مورد مطالعه در این الگو توضیح داده می‌شود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که کلیه متغیرها دارای علامت مورد انتظار هستند و فقط متغیر سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی در یک دوره قبل از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

کشش اشتغال نسبت به درجه باز بودن اقتصاد برابر ۱/۰۵ است. یعنی به ازای افزایش یک درصد در درجه باز بودن اقتصاد با فرض ثبات سایر شرایط میزان اشتغال حدود یک درصد افزایش می‌یابد. کشش اشتغال نسبت به اشتغال یک دوره قبل برابر ۰/۹۲ و سرعت ضریب تعدیل برابر ۰/۰۸ است یعنی در این گروه از کشورها انعطاف‌پذیری اشتغال پایین است.

جدول (۳): نتایج برآورد الگوی (۵-۵) متغیر وابسته لگاریتم اشتغال

متغیر	ضریب	آماره t
LGGDP_?(-1)	0.010	0.75
OPEN_?	0.037	8.56
LE_?(-1)	0.868	33.21
OPEN_?*FDI_?	-0.000	-2.50
R2	96	
D.W	1.87	
احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک	0.00	

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که بر اساس احتمال آماره F برآورد اثرات مشترک این مدل قابلیت برآورد به صورت داده‌های تابلویی را دارد. مدل اثرات ثابت به عنوان مدل برتر انتخاب می‌شود. بدین معنی که تفاوت در بین کشورهای مختلف توسط عرض از مبدأهای متفاوت بهتر قابلیت توجیه دارد. لذا باید کلیه تحلیل‌ها براساس مدل اثرات ثابت باشد. حدود ۹۶ درصد تغییرات اشتغال در کشورهای مورد مطالعه در این الگو توضیح داده می‌شود همچنین نتایج نشان می‌دهد که کلیه متغیرها دارای علامت مورد انتظار هستند و فقط متغیر سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی در یک دوره قبل از لحاظ آماری معنی‌دار نیست.

کشش اشتغال نسبت به درجه باز بودن اقتصاد برابر $۱/۰۴$ است یعنی به ازای افزایش یک درصد در درجه باز بودن اقتصاد با فرض ثبات سایر شرایط میزان اشتغال حدود یک درصد افزایش می‌یابد. کشش اشتغال نسبت به اشتغال یک دوره قبل برابر $۰/۸۷$ و سرعت ضریب تعدیل برابر $۰/۱۳$ است. یعنی در این گروه از کشورها انعطاف‌پذیری اشتغال در حد متوسط است. کشش اشتغال نسبت به متغیر ترکیبی درجه باز بودن اقتصاد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدوداً برابر صفر است، که عمدتاً به دلیل سهم ناچیز FDI در GDP این ضریب متمایل به صفر شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به منظور بررسی ارتباط جهانی شدن با بازار کار و اشتغال، مرور و مطالعه‌ای داشتیم پیرامون بازار کار، (دیدگاه‌ها و مبانی نظری) و سپس تصریح الگوی تحلیلی. ایران، اندونزی، تایلند، مالزی و فیلیپین، کشورهای مورد مطالعه و دوره زمانی (۲۰۰۵-۱۹۸۰) می‌باشد. نتایج به طور خلاصه نشان می‌دهد که کشش اشتغال نسبت به تولید ناخالص داخلی هر کشور برابر با $۰/۱۱$ ، کشش اشتغال نسبت به سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی برابر $۰/۰۷$ ، کشش اشتغال نسبت به درجه باز بودن اقتصاد از $۱/۰۱$ تا $۱/۰۴$ است. کشش اشتغال نسبت به اشتغال یک دوره قبل برابر $۰/۹۳$ تا $۰/۸۷$ بوده است. در نهایت می‌توان گفت:

۱- مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر رشد اشتغال این کشورها، تغییر در تولید ناخالص داخلی (رشد اقتصادی) است.

۲- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبت اما ناچیزی را بر رشد اشتغال نشان می‌دهد.

۳- اشتغال با وقفه رابطه معنی‌داری با رشد اشتغال دارد و با توجه به بالا بودن ضریب تعدیل نیروی کار، درجه انعطاف‌پذیری آن پایین است و چسبندگی بازار کار خیلی بالاست. لذا میزان پایین انعطاف‌پذیری بازار، کمتر منجر به رشد اشتغال شده است.

- ۴- درجه آزادی تجارت به عنوان یکی از معیارهای جهانی شدن، اثر مثبت بر اشتغال داشته است.
- ۵- دولت نتوانسته از طریق حضور خود در اقتصاد، بر اشتغال بیفزاید.
- ۶- باتوجه به روش تخمین، می‌توان اذعان نمود که هر یک از این کشورها دارای عرض از مبدأ متفاوت می‌باشند. به عبارت دیگر در هرکشوری مجموع متغیرهای توضیحی دارای اثرات متفاوتی بر متغیر وابسته می‌باشند.

توصیه‌های سیاستی

- تأثیر مثبت باز بودن اقتصاد بر رشد اشتغال می‌تواند از نگرانی‌های احتمالی سیاست‌گذاران مبنی بر الحاق به سازمان تجارت جهانی بکاهد.
- عدم انعطاف‌پذیری نسبی دستمزدها، وجود قوانین و مقررات بازار کار که از حداقل دستمزدها حمایت می‌کند در کنار سایر حمایت‌های دولت از بازار کار سبب شده جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از روند مطلوبی برخوردار نباشد و نقش کاهنده داشته باشد، زیرا سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید ناخالص داخلی در دوره مورد بررسی رقم کمی را به خود اختصاص داده است. بنابراین دولت‌ها باید تلاش کنند با اصلاحات و تعدیلات لازم جذب این نوع سرمایه‌گذاری‌ها را با مشوق‌های ضروری، آسان و تسهیل نمایند.
- دولت‌ها به منظور افزایش اشتغال، رفع موانع طرف عرضه را باید در اولویت اول سیاست‌های خود داشته باشند. زیرا رشد اقتصادی تأثیر مثبت بر رشد اشتغال داشته است.
- نقش مخارج تحقیق و توسعه بر اشتغال به لحاظ مبانی نظری مثبت می‌باشد لیکن به دلیل در دسترس نبودن آمارهای آن، این متغیر در مدل وارد نشد. از آنجا که (R&D) می‌تواند ذخیره علمی و دانش فنی نیروی کار را ارتقاء بخشد. هدایت عوامل تولید به سمت R&D سبب ابداع، اختراع و عرضه محصولات جدید خواهد شد و تقاضا برای نیروی کار افزایش می‌یابد. بنابراین بجاست که تلاش شود سهم R&D در GDP افزایش یافته و این افزایش هر چه بیشتر جهت کاربردی به خود بگیرد.
- دولت با تخصیص مجدد نیروی کار و دیگر نهاده‌های تولید، اجرای سیاست‌های تعدیل را تداوم دهد و به آثار مثبت این سیاست‌ها و کوچک‌سازی دولت بر افزایش اشتغال امیدوار باشد.
- عموم مدل‌های تجربی در زمینه مطالعات جهانی شدن، بر ملاحظات نظری که، به خوبی تعریف و تبیین شده باشند، مبتنی نیستند تا بتوانند راهبرد تجربی را هدایت کنند. بنابراین مطالعات تجربی آینده باید به طور مستحکم‌تری بر مطالعات نظری مبتنی باشند.
- بنابراین مطالعات تجربی آینده باید به طور مستحکم‌تری بر مطالعات نظری مبتنی باشند.

منابع

الف- فارسی

- ۱- آندرسون کیم، *جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌ها*، علی صباغیان و وحید بزرگی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.
- ۲- استیگلیتز جوزف، *جهانی سازی و مسائل آن*، حسن گلریز، نشر نی، ۲۰۰۲.
- ۳- امینی، علیرضا، تحلیل عوامل مؤثر بر تقاضای نیروی کار و موانع ایجاد اشتغال در اقتصاد ایران، دانشگاه آزاد اسلامی ایران واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۱.
- ۴- برانسون، ویلیام اچ، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، شاکری عباس، جلد دوم، نشر نی، ۱۳۷۶.
- ۵- تفضلی، فریدون، *اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ۶- جعفری صمیمی، احمد، جهانی شدن، شاخص‌ها و جایگاه اقتصاد ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۴.
- ۷- دادگر، یداله، ناجی میدانی، علی اکبر، آثار جهانی شدن اقتصاد بر رشد اشتغال و توزیع درآمد در ایران، فصل‌نامه پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۳.
- ۸- سامتی، مرتضی، اشتغال، بازار کار، سیاست‌های اقتصادی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲.
- ۹- قویدل صالح، نقش جهانی شدن اقتصاد در اشتغال‌زایی بخش خدمات و صادرات غیرنفتی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵.
- ۱۰- کمیجانی، اکبر، ارزیابی عملکرد سیاست‌های اشتغال‌زایی در ده سال اخیر و برآورد تابع تقاضای نیروی کار در ایران، مؤسسه کار و امور اجتماعی، ۱۳۷۸.
- ۱۱- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن اقتصاد، ۱۳۸۲.

ب- لاتین

- 12- Baltagi, B, *Econometric Analysis of Panel Data*, New yourk: Joha wiley and sons, 1995.
- 13- Cornwel.Cand P.Schmidt, "Panel Data With Cross-Sectional Variation in Slopes as well as in Intercept", *Econometrics workshop Paper No. 8404*, Michigan stato university, 1984.
- 14- Maddala, G, *The Econometrics of Panel Data*, Vol. 1 – 2, Brookfield, 1993.
- 15- Cellin , R and Tomasini, S and Vincenzi , L "Increase in Laboar Productivity , factor Substitution and Laboar demand", Prepared for the European Commission, Nota di Laroron, 2001.
- 16- Dornbousch, Fischer, *Macroeconomics*, Mc Graw-Hill, 1995, pp.267-272.
- 17- Elberfeld Walter,Georg Gotz &Frank Stabler, *Vertical Foreign Direct Investment,welfare and employment*, 2004.
- 18- Fajnzylber. Pablo and William. F. Maloney "Labor demand in Colombia, Chile and Mexico, Dynamic Panel Modeling", world bank, 2000.
- 19- Henry Ursprung (2006), *Globalization and Welfare State, the new palgrave dictionary, 2006*.
- 20- Harry P.Bowen and Abraham Hollander and Jean-Marie Viaene, *Applied International Trade Analysis*, MacMillan press LTD, 1998.

- 21- **International Labour Organization** Laborsta Internet, 2004.
- 22- JuKwon-Huck, **Globalization, unemployment and policy responses in Korea, global social policy, 2001**, voll(2):pp.213-234
- 23- Landman, Oliver, **Wages Unemployment, and Globalization: A tale of Conventional Wisdoms**, institute for Allgemeine Wirtschaftsforschung, 2000 79-85.
- 24- Magee, S.P, **Three Simple Test of the Stolper-Samuelson Theorem**, (london oriel press), 1990.
- 25- Orbeta C.Aniceto, **Globalization and Employment: the impact of trade on employment level and structure in the Philippines**, Philippines institute for development studies discussion paper series no.04, 2002.
- 26- 21-Rama, Martin, **Globalization and Workers in Developing Countries**, World Bank policy research working paper, 2003, pp.29-58
- 27- Rodrik ,D, **Has Globalization on Gone Too Far**, Institute for International Economics(Washington, DC), 1997.
- 28- Tanzi.Vito, "**Globalization and the need for Fiscal Reform in Development countries**" INTAL-ITD, Occasional paper-Siti-06, 2004.
- 29- Walterskirchen Ewald, "**The Relationship Between Growth , Employment and Unemployment in the EU**", Austrain Institute Of Economic Research , Vienna , 8 Sept, 1999.
- 30- World Bank, World Development Indicators, 2006.
- 31- Wong, K.Y, **International Trade in Goods and Factor Mobility**(Cambridge, Mass:MIT press), 1995.